

جایگاه دانش و صنعت بومی در آموزش معماری امروز

حسین مهدوی پور * / عاطفه جعفری **

تاریخ دریافت مقاله:

1390/07/24

تاریخ پذیرش مقاله:

1390/09/27

چکیده

یکی از پارامترهای مهم هر معماری، تکنیک یا فرایند ساخت آن است. هر معماری متناسب با شخصیت یا هویت خود، دارای یک روش، تکنیک و پروسه خاص است، ولی امروزه با پیشرفت تکنولوژی و یکسان شدن جزئیات و تکنیک‌های ساخت، همچنین استاندارد شدن بسیاری از تجهیزات این تفاوت‌ها از بین رفته و سیمای مناطق مختلف یکسان ساخته می‌شود.

بخش قابل توجهی از این مشکلات به آموزش معماری، تربیت معماران و متخصصان این رشته مربوط است و بی‌تردید قسمتی از این آموزش و تربیت به بخش آموزش تکنولوژی مربوط است زیرا نظام تکنولوژی طوری تعریف و تنظیم شده است که در برابر خصیصه‌های فرهنگی و محلی، حساسیت چندانی نداشته باشد. در نتیجه با توجه به تأثیر تکنولوژی بر سیستم‌های فرهنگی و در اینجا معماری، قطعاً درنگ و تعمق بیشتری به خصوص در حوزه آموزش معماری مورد نیاز است.

این مقاله جست‌وجویی است برای اتخاذ رویکردی مناسب در خصوص ماهیت تکنولوژی و مسئله آن در محتوای برنامه‌های آموزشی رشته معماری که هم‌اکنون در کشور ما به اجرا گذاشته می‌شود. بدین منظور این مقاله شامل دو بخش: بخش اول آفت‌شناسی و نقد و بررسی سرفصل موجود بر اساس هدف مقاله و بخش دوم در جستجوی ارائه راهکار مناسب جهت حل مسئله در سه حوزه: 1. محتوای سرفصل 2. رویکرد آموزشی و 3. طراحی فضای آموزشی می‌باشد.

واژگان کلیدی: معماری، بوم، صنعت بومی، تکنولوژی بومی، آموزش معماری.

* پژوهشگر دوره دکتری معماری دانشگاه شهید بهشتی و عضو هیئت علمی دانشکده معماری دانشگاه یزد.

Hmahdavi@yazduni.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده معماری، دانشگاه یزد.

مقدمه

یکی از پارامترهای مهم هر معماری، تکنیک یا فرایند ساخت آن است؛ که هر معماری متناسب با شخصیت یا هویت خود، دارای یک روش، تکنیک و پروسه خاص می‌باشد. حتی می‌توان به صراحت عنوان نمود که آنچه چهره معماری ما را می‌سازد به تفاوت در روش و تکنیک‌های ساخت مربوط می‌باشد که موجب گوناگونی معماری در جای‌جای کشور شده است؛ درحالی‌که امروزه با پیشرفت تکنولوژی و یکسان شدن جزئیات و تکنیک‌های ساخت، همچنین استاندارد شدن بسیاری از تجهیزات، این تفاوتها از بین رفته و سیمای مناطق مختلف را یکسان ساخته است.

طرح مسئله و ضرورت آن

رشد و توسعه تکنولوژی در نیم قرن اخیر و پراکنش کم و بیش شتابان آن در ممالک مختلف، انزوای ناشی از نبود یا کمبود راه‌های ارتباطی و دوری مسافت را در عمل از بین برده و دنیای کوچک و تازه‌ای را به تصویر می‌کشاند. در این شرایط، فرهنگ‌های گوناگون به هم می‌آمیزند و جوامع شهری و روستایی به سوی پنداری واحد کشیده می‌شوند و با استفاده از وسایل نقلیه یکسان و کالاهای مصرفی یکسان، بتدریج هویت و ویژگی‌های خود را از دست می‌دهند و ذوق و سلیقه‌ای همسان پیدا می‌کنند. بدنبال این تحولات، معیارها و ارزشهای مورد قبول جوامع، سست و کمرنگ می‌شود و ثبات آن‌ها در هاله‌ای از ابهام قرار می‌گیرد.

یکی از پیامدهای این روند (پیشرفت تکنولوژی) یکسان و یکنواخت شدن معماری و شهرسازی نقاط مختلف کشور در دوران معاصر است. ساختمان‌هایی که هم‌اکنون در تبریز، کرمان، مشهد، شیراز، یزد و همدان بنا می‌شود، تفاوتی با یکدیگر ندارند در حالی‌که سابقاً شکل

ساختمان‌ها، بافت محله‌ها و ساختار شهرها گویای ویژگی‌های فرهنگی و ذوق‌های بومی ساکنان آن‌ها بود. این ویژگی‌ها از بین رفته و بافت شهرها و روستاهای ما از تاریخ و فرهنگ خود بریده‌اند.

اگر وضع کنونی معماری معاصر ایران دارای مطلوبیت مقبول نیست، بخش قابل توجهی از آن به آموزش معماری، تربیت معماران و متخصصان این رشته مربوط است. بی تردید قسمتی از این آموزش و تربیت به بخش آموزش تکنولوژی مربوط است زیرا سیستم تکنولوژی طوری تعریف و تنظیم شده است که در برابر خصیصه‌های فرهنگی و محلی، حساسیت چندانی نداشته باشد. به دیگر سخن، تکنولوژی از طریق انکار خصیصه‌ها سعی در برپا داشتن جهانی با خصیصه‌های یکسان و جهانی دارد. در صورتی که معماری عمیقاً به فرهنگ و تفاوت‌هایی که آن را از سایر معماری‌ها جدا می‌کند، مرتبط است. اهمیت این امر ما را به سمت جست‌وجوی راه‌های اختصاصی برای آموزش معماری در کشور هدایت می‌کند.

از مشخصه‌های تکنولوژی آن است که تلاش می‌کند خصیصه‌های محلی را در خود حل کرده و تنها فرهنگ تکنولوژی را واجد اعتبار نشان دهد، تسری این مشخصه در معماری، که فعالیتی برخاسته از محیط و منطبق با فرهنگ می‌باشد، امری بحرانی و دارای اهمیت راهبردی است. بنابراین، برای هدایت و کنترل تأثیر تکنولوژی بر سیستم‌های فرهنگی و در اینجا معماری، قطعاً درنگ و تعمق بیشتری به خصوص در حوزه آموزش معماری مورد نیاز است زیرا این معماری بازتاب انتقال مفاهیم و ارزش‌هایی است که از آموزش آن آغاز می‌شود و حاصل همان آموزشی است که در دانشگاه‌ها ارائه می‌گردد. شناخت و بررسی مشکلات ناشی از معماری و شهرسازی کشور به نحوه آموزش آن در سطح دانشگاه‌ها

رساله کارشناسی ارشد در نیل به این مهم مؤثر و مقدم بوده است.

پرسش تحقیق

امروزه با هرکس درباره معماری «بومی» به گفت و گو بنشینیم بی اختیار به ورق زدن دفتری می پردازد که سخن ها و شکل هایی از گذشته در آن به نگارش در آمده و متقوش اند. امروزه به معماری بومی - به هر بخش از سرزمینی که تعلق داشته - به عنوان میراثی از گذشته ها می نگرند و حتی این شک را به خود راه نمی دهند که آنان نیز می توانند زاینده سبکی از معماری باشند حاوی آن رشته از زیبایی ها و جاذبه ها و ترنم ها که این عنوان به خاطر می آورد. معماری بومی در هر زبان و در هر فرهنگی که معنا شود، به استناد سنت، به ریشه معماری در گذشته دور و نزدیک اشاره می دهد؛ ولی قطع الزامی این ریشه را شرط این نامگذاری نمی داند و نمی خواهد. به دیگر سخن، معماری بومی چیزی نیست که ما نتوانیم امروزه بیافرینیم و چیزی نیست که دیگران بسیار پیش از ما ساخته باشند و دیگر کسی را توان آفرینش آن نباشد. در نتیجه در اینجا این سؤالات پیش می آید که:

- چگونه می توان این معماری بومی را به کشور ما باز گرداند؟
- چرا ما در کشور خود دیگر شاهد معماری های بومی نیستیم؟
- آیا یکی از مشکلات یکسان شدن معماری ما در سراسر کشور به دلیل پیشرفت تکنولوژی و استفاده نادرست از آن می باشد؟
- آیا یکی از مشکلات این امر ریشه در آموزش معماری ما دارد؟
- چگونه می توان با اصلاح آموزش معماری هویت شهرها و روستاها را به آن ها بازگرداند؟

برمی گردد. تاکنون آموزش علمی معماری با عمر حدود 45 ساله خود نتوانسته است ارزش های پیشین این میراث گراند را، که در سطح جهان شهرت داشته زنده کند. همچنین می توان اینگونه عنوان نمود که در نگاه معماری بومی و همساز با انسان، طبیعت به عنوان سرچشمه ای برای آموختن و ایده پردازی و ارتقای کیفیت مورد توجه قرار می گیرد. معماری هایی چون ماسوله، ایبانه، کندوان، میمند و ... وجود دارند که معمار امروزی باید بیاموزد که باید به این الگوها بیش از پیش توجه نماید و فرایند آموزشی، بهترین فرصت جهت پردازش به این مهم است.

پیشینه تحقیق

گفت و گو درباره معماری بومی، سابقه ای چندان طولانی ندارد. شاید بیش از نیم قرن نیست که به صورت نوشتارهایی در این باب، به محصولاتی قابل توجه دسترسی پیدا کرده ایم و می توانیم به اتکای یافته های دیگران و آگاهی هایی که در این باره برای عموم فراهم آمده به پیچیدگی ها و به مشخصه های آن پردازیم. در زمینه معماری بومی افرادی از جمله نویسندگان، پژوهشگران و ... تحقیقاتی در زمینه های (شناسایی ویژگی های معماری بومی، چگونگی تداوم آن و ...) انجام داده اند ولی با توجه به موضوع مورد بحث یعنی «جایگاه فنون و صناعت بومی در آموزش معماری»، آن زمینه ای است که با توجه به بررسی های نویسنده در این خصوص پیشینه مدون و مکتوب نداشته و مقاله حاضر می تواند رویکردی بدیع را نسبت به محتوای برنامه های آموزش معماری در ایران، با توجه به مسئله تکنولوژی و نیاز به چگونگی توجه و کاربرد تکنولوژی های بومی ارائه دهد. باید توجه داشت که تحقیقات مفصل نگارنده در خصوص تکنولوژی بومی در چهارچوب تهیه و تدوین

فرضیه تحقیق

با توجه به بررسی‌های انجام شده می‌توان اینگونه بیان نمود که یکی از راهکارهای بازگرداندن هویت بومی به شهرها و روستاها تجدید نظر در نحوه آموزش معماران این مرز و بوم و تغییراتی در سیستم آموزشی می‌باشد؛ بنابراین با بررسی سرفصل دروس می‌توان اینگونه برداشت کرد که توجه به معماری بومی و هماهنگی با فرهنگ خودی و رشد و توسعه آن از اهمیت خاصی برخوردار است و شاید بتوان آن را به‌عنوان دغدغه اصلی سرفصل شناخت؛ ولی با مطالعه سرفصل دروس مصوب این شورا - که شرح آن در ادامه آمده است - نمی‌توان به درستی این رویکرد خاص را تشخیص داد؛ در نتیجه فرضیه محقق بر این اساس صورت گرفته است که «با تجدید نظر بر سرفصل دروس از نظر آموزش فنون و صناعت بومی می‌توان هویت شهرها و روستاهای کشورمان را به آن‌ها بازگرداند».

روش تحقیق

در این تحقیق، ابتدا مطالعات کتابخانه‌ای، پیش زمینه ورود محقق به بحث و شناخت او نسبت به پرسش تحقیق را فراهم می‌نماید و در این راستا روش مورد استفاده شامل یک روش علمی و تطبیقی است که دارای وجه تجربی شامل تجارب مستقیم نگارنده در امر تحصیل و تا حدی آموزش معماری نیز هست. در این روش ابتدا با مشخص کردن هدف تحقیق، منابع مورد نیاز مشخص شده و آن‌گاه با مراجعه به متون معتبر مربوط به هریک از زمینه‌های اصلی تحقیق شامل تکنولوژی، معماری بومی، فنون و صناعت بومی و برنامه‌ها و سرفصل مصوب دروس رشته معماری دو مشکل اساسی را در آموزش معماری برشمرده و به بررسی موضوع در دو بخش زیر می‌پردازد:

▪ بخش اول آفت‌شناسی و نقد و بررسی سرفصل موجود، بر اساس هدف مقاله است که مشکلات و مسائل مربوطه معرفی می‌گردد؛ که این بخش در سه حوزه دروس معماری شامل: (1) دروس فنی (2) دروس وابسته (3) دروس طراحی معماری به بحث می‌پردازد.

▪ بخش دوم در جستجوی ارائه راهکار مناسب جهت حل مسئله در سه حوزه: (1) محتوای سرفصل (2) رویکرد آموزشی (3) طراحی فضاهای آموزشی می‌باشد.

شناخت

هدف این بخش دستیابی به شناختی است نسبت به تکنولوژی و تعریف مختصری از آن، تعریفی از معماری و تکنولوژی بومی و لزوم توجه به آن، همچنین رابطه تکنولوژی با هنر و معماری به صورت مختصر بررسی شده است.

تبارشناسی تکنولوژی

واژه تکنولوژی دارای ریشه یونانی و برگرفته از واژه تکنیکون (technikon) است که عبارت است از امری که به تخنه تعلق دارد. تخنه واژه‌ای یونانی است که بر هنر، صنایع دستی یا مهارت‌های درگیر شده در تولید و فراهم آوردن تعمّدی چیزها اطلاق می‌شود¹، بر خلاف چیزهایی که به‌طور مستقیم از طبیعت گرفته شده یا بر حسب احتمال و اتفاق به دست آمده‌اند» (Kemerling, G., 2001). این واژه و معادل لاتینی آن آرس (ars) به هنرهای زیبا محدود نمی‌شود بلکه بر تمام مهارت‌های انسانی، صنایع و حتی دانش نیز دلالت دارد. به همین دلیل تخنه از توانایی‌های غریزی² و اتفاق³ تفکیک شده است و بر روند تعمّدی دست‌یابی به یک هدف از پیش فکر شده و در نتیجه به بدنه‌ای سازماندهی شده از معلومات، دلالت دارد. (Barasch, M., 2000:2) دلالت تخنه در یونان باستان نه بر ساختن، ابداع و ایجاد بلکه بر وجهی از دانش استوار بود که آگاهی از آن، ساختن و

نحوی دعوی تفکر در روند تعمّدی دست‌یابی به هدف تعیین شده، به مثابه یک فرآورده بازشناخته می‌شود. درحالی که این دعوی به وسیله تغییر بنیادی در تفسیری که از رابطه میان انسان و طبیعت در تکنولوژی پدید آمده، از تخرن مشتق می‌شود. چنین اشتقاقی، این باور نادرست را منتفی می‌کند که در آن تکنولوژی به منزله شکل جدید و تکامل یافته‌ای از تخرن قلمداد می‌شود. در واقع به واسطه تغییر نگرش انسان به جهان در دوران مدرن، کیفیت مواجهه و تعامل با طبیعت دگرگون شده و نقش قبلی انسان که از طریق پیروی از طبیعت به انطباق نیازهای خویش با آن معطوف بود، جای خود را به حاکمیت نظم و قاعده سیستم تکنولوژیک می‌دهد.

تعریف "معماری و صنعت" بومی و نیاز توجه به آن

ریشه‌شناسی واژه

لغت (بومی) «ورناکیولر»⁴ از ریشه لاتینی ورناکولوس⁵، گرفته شده است که به معنی بومی و محلی است. «ورنا»⁶ به معنای «برده بومی» یا «برده متولد شده در همان محل» می‌باشد. این واژه احتمالاً از واژه‌ای قدیمی‌تر که منتسب به اتروسکیایی‌ها⁷ بوده، گرفته شده است.

در زبان‌شناسی، این واژه برای اشاره به زبانی گفته می‌شود که در زمان و مکان و توسط گروهی خاص استفاده می‌شود. در معماری به شیوه‌ای از ساخت و ساز گفته می‌شود که خاص و ذاتی یک زمان و مکان است (یعنی اینکه از جایی دیگر وارد یا کپی نشده باشد) و این بیشتر به ساختمان‌های مسکونی اشاره دارد. (ویکی‌پدیا، 2011)

معماری و تکنولوژی بومی

روش طراحی عمومیت یافته‌ای است که از معماری مردمی زاینده شده است و می‌توان آن را شکل پیشرفته

تکوین یا به ظهور در آوردن را در پی داشت. در آن زمان، مفهوم تخرن - بی‌نیاز از تعریف و تحدید - آشکار بود اما این وضوح در برابر اندیشه‌ای که قصد داشت عمل را از نظر جدا کند، کم‌کم رنگ باخت، تا جایی که با فاصله گرفتن از اصل، کار به بند کشیدن آن در پیکر مفاهیم و ارائه تعریف آغاز شد.

این امر زمینه‌ای برای شکل‌گیری اصطلاح جدید "تکنولوژی" محسوب می‌شود، چنان‌که برای نخستین بار، در 1615 میلادی و در زبان انگلیسی، به معنای اصطلاح‌شناسی یک هنر یا پیشه به کار رفت. سپس در 1859 به معنای رساله درباره هنر یا مجموع هنرها به کار گرفته شد (بیزک، ر. ف. 1374). تعبیر اخیر اشاره به تبار واژه تکنولوژی دارد که مفهوم هنر را نیز پوشش می‌دهد. بنابراین تکنولوژی از آغاز هنرهای زیبا و هنرهای کاربردی هر دو را شامل می‌شد ولی بر اساس تحولات فکری - اجتماعی دوران مدرن، کاربرد آن دستخوش دگرگونی‌هایی شد؛ به نحوی که ابتدا محدود به هنرهای کاربردی شد و در اوایل قرن بیستم این عبارت طیفی از مفاهیم، روندها و ایده‌های مربوط به ابزارها و ماشین‌ها را در بر گرفت و مفهومی معادل با ماشینیزم و صنعتی شدن را با خود حمل کرد.

واژه تکنولوژی مرکب از دو واژه تخرن و لوگوس، به واسطه یک نیاز جدید، به مثابه ساختاری متأخر و بر اثر تحولاتی شکل گرفت که در طول زمان بر ریشه و معنای نخستین آن به وقوع پیوست. به این ترتیب تکنولوژی از یک سو مرتبط با قلمرو تخرن و از سوی دیگر با مشخصه‌های کاملاً اختصاصی زاده می‌شود که بر مبنای مدرن اندیشیدن به جهان و دلالت‌های معنایی آن حاصل شده است. به همین دلیل میان تخرن و تکنولوژی، نوعی از تداوم و در عین حال انفکاک و دوشاخگی ملاحظه می‌شود؛ تداوم در اثر این امر که در تکنولوژی نیز به

مستحیل در فرهنگ عمومی دو اصل قرابت و آشنایی با سازه‌های بومی که تا کنون برای اولین بار دیده می‌شوند به‌شمار می‌رود (مهندس محمد مهریار، ۱۳۶۲، ۵۳). می‌توان معماری بومی را هموار کردن طبیعت برای پاسخگویی به نیازهای مکانی دانست که با انتخاب و استفاده مقهورات هر سرزمین پدید آمده است (همان، 54).

تکنولوژی ساخت بومی اساساً تکنولوژی‌ای است که در یک منطقه خاص در طول صدها سال تکامل یافته است. در مناطق روستایی کشور ما و دیگر کشورهای در حال توسعه، فناوری ساخت خانه که دیده می‌شود، فناوری‌های بومی است. آن‌ها هیچ رابطه‌ای با مهندسان و معماران و علوم مدرن ندارند اما منشأ عقل و دانش و تجربه هستند. تکنولوژی‌های بومی با محیط زیست مناطق مربوطه خود مطابقت دارند و در نتیجه کاملاً به منابع موجود در هر محلی بستگی دارند. آن‌ها به ارائه مطلوب‌ترین راه حل در جهت رفع نیازهای ساخت منطقه مورد نظر می‌پردازند. تکنولوژی ساخت بومی با فرهنگ‌های محلی در هم آمیخته شده است (Desai, R, 1997, 2).

در نگاه معماری و تکنولوژی بومی و همساز با انسان، طبیعت به‌عنوان سرچشمه‌ای برای آموختن و ایده‌پردازی و ارتقای کیفیت مورد توجه قرار می‌گیرد. معماری‌هایی چون ابیانه و کندوان و ... وجود دارند که معمار امروزی باید بیاموزد که باید به این الگوها بیش از پیش توجه نماید و فرایند آموزشی، بهترین فرصت جهت پردازش به این مهم است.

تکنولوژی و هنر

دغدغه سرنوشت هنر در جامعه کنونی، برای بسیاری از ما اهمیت دارد. زیرا با گسترش عقلانیت ابزاری و رشد تکنولوژی شرایط جدیدی بر زندگی حاکم شده

معماری طبیعی یک خطه معین به حساب آورد که در ارتباط با آب و هوا، فرهنگ و مصالح ساختمانی بیان می‌گردد. "مقیاس" در این معماری عاملی تعیین کننده است. معماری بومی با مردم همزاد و با محیط همساز است. محتوای فکری این مفاهیم (معماری‌های مردمی مختلف که هر کدام مفهوم ویژگی‌های محلی و مردمی خود را بازگو می‌کنند) حالتی فراگیر پیدا کرده و به آن به‌عنوان یک خصیصه معماری نگریسته می‌شود. بعد از این است که فرایند ترکیب معماری در ذهن معماران شروع می‌شود. آن‌ها از یک طرف معماری مردمی را به‌عنوان راهی برای طراحی و از طرفی خود را در موضع ارائه طرح "به زبان بومی" می‌یابند. معماری به زبان بومی مهارت‌های طراحی را که ریشه در دانش بومی دارند برای بسط معماری مردمی به‌کار می‌گیرد (معمار، 2007).

معماری بومی دوگونه پیوند اساسی را محترم می‌دارد، پیوند با محیط فرهنگی یا با سلسله ارزش‌های فرهنگی، با سلسله رفتارهای فرهنگی و با سلسله قوانین ضمنی که در آن جاری‌اند از یکسو و از سوی دیگر پیوند با محیط طبیعی و یا با مجموعه داده‌هایی که "سرزمین" به انسان عرضه می‌دارد، داده‌هایی که هم ابزار فکری‌اند و هم ابزار کاربردی و هم مصالح و اجزاء و عناصر ساختمانی. معماری بومی تبلور شخصیت فرد تا حد نهایت، در معماری است (فلامکی، ۱۳۶۴، ۱۷-19).

معماری بومی واژه‌ای برای دسته‌بندی کردن شیوه‌های ساخت و ساز است که در آن از منابع قابل دسترس و سنت‌های محلی برای رسیدگی به نیازهای محلی استفاده می‌شود. معماری بومی در گذر زمان تکامل پیدا می‌کند تا بافت محیطی و تاریخی و فرهنگی را منعکس کند (Holm, 2006).

سازه‌های بومی در رویارویی صریح ساکنان با وضعیت اقلیمی است و سادگی این رابطه به همراه پیام‌های

بی‌خانمانی انسان را به او می‌نمایانند و او را از ماهیت جهان‌ش آگاه می‌سازند.

به باور آدورنو، فرهنگ با تملک تکنولوژی همه چیز را یکسان کرده است. رسانه جنبه هنری بودنش را از دست می‌دهد و به صنعت بدل می‌شود. او با استناد به نظریات «وبر»، سیطره عقلانیت صوری یا ابزاری را عامل گسترش اقتصاد سرمایه‌داری، کالایی‌شدن و شیء‌شدگی می‌داند. آدورنو ضمن نقد مبانی «عقل‌انگاری»، هنر مدرن را نقد می‌کند. هنری که در جامعه تحت حاکمیت عقلانیت ابزاری، پوزیتیویسم و در پی آن گسترش روزافزون تکنولوژی و رسانه‌های همگانی، بدل به صنعت شده است. صنعت فرهنگ بر «ذهن و افکار عمومی شکل می‌دهد و موهبی یکسان به همه چیز می‌گوید»، تفاوت و خلاقیت میان انسان‌ها و به تبع آثاری که می‌آفرینند از بین می‌رود و آن‌ها گرفتار وحدتی خیالی می‌شوند که «سرکوبگر غرایز و ویرانگر شرایط رهایی راستین انسان است» (مددپور، 1384: 547).

بودریار، تحت تأثیر مارکس بود. به عقیده او در دوران انقلاب صنعتی با تولید مکانیکی، ایزه‌های همسان و به میزان وسیع پدید آمد. همانندی و کمیت، اهمیت یافت و اقتدار ماشین در ارتباط با هنر مطرح شد. «در نمایش‌های فرانسوی پیش از انقلاب فرانسه ابزار مکانیکی به کار رفت و ماشین انسان را پیوست خود کرد. با پیدایی هنرهایی مثل سینما و عکاسی، قوانین بازار که همان تکثیر مکانیکی بدون اهمیت به کیفیت و ارزش مبادله بود، به دنیای هنر رسوخ کرد». در چنین نظامی «مورد طبیعی نقش مهمی نداشت و طبیعت، ایزه‌ای شد که می‌شد بر آن سلطه یافت. بازتولید، اصل مهم و مسلط شد و هم‌ارز با قوانین بازار شکل گرفت» (احمدی، 1374: 469). بودریار با توصیف دنیای مدرن سرانجام به این واقعیت اعتراف می‌کند که ما اکنون از آن دوره گذشته‌ایم

است. فیلسوفانی مانند مارتین هایدگر، تئودور آدورنو، والتر بنیامین، ژان بودریار و هربرت مارکوزه کوشیدند تا به دغدغه خود مبنی بر جایگاه هنر در جوامع امروزی و رابطه هنر با تکنولوژی پاسخ دهند.

هایدگر، پرسش از ماهیت تکنولوژی را با پرسش از ماهیت هنر مرتبط می‌داند و این ارتباط را با شعر هولدرلین نشان می‌دهد: «هنر به‌مثابه نیروی منجی از درون خطر تکنولوژی می‌روید و می‌بالد» هایدگر تکنولوژی را آواره و سرگردان می‌داند و خطر آن برای جامعه همین سرگردانی و بی‌خانمانی است (مددپور، 1384: 494).

او همراه با بنیامین که یکی از نظریه‌پردازان درباره هنر و تکنولوژی است، حضور همه‌جایی آثار هنری را عامل از بین رفتن اصالت هنر می‌داند. اما با بنیامین بر سر این موضوع که ظهور عکس‌برداری، منجر به همه‌جایی شدن آثار هنری شده، موافق نیست. هایدگر دلیل سرگردانی هنر را کلی‌تر می‌داند و آن علم مدرن است (همان: 504). به باور او سرشت روزگار مدرن با مفهوم گشتل تعریف می‌شود. گشتل یعنی ماهیت تکنولوژی، که هم بر علم مدرن و هم بر بنیان فلسفی حکم می‌راند. دوران جدید تحت سیطره گشتل یا ماهیت تکنولوژی است و گشتل به حاکمیت شیء‌شدگی و کالایی‌شدن جهان می‌انجامد.

با گسترش ماهیت تکنولوژی امکان هرجایی بودن هنر به وجود می‌آید، آثار هنری همه جا در معرض دید همگان قرار می‌گیرند اما از طرفی دیگر به جایی تعلق ندارند، همین در ناکجاآباد زیستن هنر آن را آواره و سرگردان کرده است. سرانجام بی‌خانمانی هنر با تذکر و نمایاندن ماهیت تکنولوژیکی دنیای مدرن و خطر بی‌خانمانی، به‌گونه‌ای مثالی به نیروی منجی بدل می‌شود (همان: 504) آثار هنری به شکل سمبل بی‌خانمانی،

و وارد عصر جدیدی شده‌ایم، به نام شبیه‌سازی‌ها. در جهان فرامدرن یا در عصر شبیه‌سازی‌ها، دیگر «رجاع به اصل و طبیعت مانند دوره پیش مهم نیست. این دوران روزگار سالاری خود وانموده‌هاست. میان واقعیت و نشانه، دیگر نمی‌توان تفاوتی دید و انسان‌ها در بند شبیه‌سازی‌ها گرفتارند. او این جهان را فرا واقعیت می‌نامد. رسانه‌های همگانی دیگر آینه واقعیت نیستند، بلکه خود واقعیت و یا حتی واقعی‌تر از واقعیت هستند». بودریار بر فرهنگ بسیار تأکید دارد و انقلاب نوینی را در حال تحقق می‌بیند که برخلاف انقلاب مارکسیستی به توده‌های منفعل و نه شورشی نیاز دارد. این کار را رسانه‌های همگانی انجام می‌دهند. آن‌ها با فرایند اجتماعی کردن، مردم را منفعل بار می‌آورند (ریترز، 1374: 818).

به باور او رشد روزافزون فناوری اطلاعات به این قضیه کمک می‌کند. در چنین جامعه‌ای، هنر «تجلی معنوی و انسانی‌اش را از دست داده، هنرمند دیگر واقعیت را ترسیم نمی‌کند، بلکه فقط مدل‌های فوق واقعی یعنی نمودها را از راه بیانگری تجربیدی نشانه‌ها بیان می‌کند» و کار او نسخه‌برداری و تقلید از گذشته است (احمدی، 1374: 475).

بنابراین هنر دیگر چیزی به جهان نمی‌افزاید، آفرینش‌گری از بین رفته و تنها کارش تقلید و به هم وصل کردن عناصر از پیش‌آفریده شده است. هنر تنها شبیه‌سازی می‌کند یعنی به تقلید از الگوهای گذشته می‌پردازد. همچنین می‌توان این موضوع را بیان نمود که یکی از هنرهای اصیل معماری می‌باشد که این مشکلات در مورد آن صدق می‌کند. معماری از آنگاه که خود را مکلف به بیان چیزی نمود، آزادگی خویش را از دست داد. سالیان دراز انسان‌ها می‌ساختند و می‌زیستند بی‌آنکه از معماری، به جز معماری، انتظاری داشته باشند. از آنگاه

که معماری و معمار مکلف شدند تا در پس ساختن، چیزی را نیز بیان کنند، معماری دیگر «معماری» نبود. همان طور که خواندید چند فیلسوف نامبرده تکنولوژی را برای هنر خطرناک می‌دانند و زوال هنر را در علم مدرن و تکنولوژی مدرن می‌دانند، زیرا تکنولوژی بر پایه دلایل منطقی و عقلانی شکل می‌گیرد، سریع تبدیل به صنعت می‌شود و به همین خاطر تکنولوژی ساختمان‌ها را به سمت صنعتی شدن متمایل کرده است، در صورتی که بایستی به جنبه هنری آن نیز توجه شود زیرا تکنولوژی همزاد هنر است و به معنای ساختن و فرایند و روش‌های ساخت و ساز می‌باشد.

تکنولوژی و معماری

یکی از ابعاد مهم در هر مکتب معماری تکنولوژی است و هیچ سبک یا مکتب معماری نیست که به راهکارهای ساخت و ساز بی‌توجه باشد. براساس تعریف پورتر، معماری را می‌توان از چهار بخش اصلی متشکل دانست:

الف - فرم، ب - عملکرد، ج - تکنولوژی، د - فرهنگ و محتوا

فرم، عبارت از هندسه و شکل اثر می‌باشد و عملکرد، شامل کاربری‌ها و بهره‌گیری‌ها در فضای معماری است. تکنولوژی شامل فرآیند ساخت، تفکر پیرامون نحوه ساخت و مصالح، تکنیک‌ها و سیستم‌های ساختمانی می‌باشد. فرهنگ و محتوا نیز درونمایه غیرفیزیکی شامل مفاهیم و معانی مطرح شده در اجزا و کل اثر می‌باشد که از فرهنگ، تاریخ، اعتقادات و مبانی فلسفی جامعه و معمار نشأت می‌گیرد. بنابراین یکی از اصلی‌ترین عناصر برپاکننده هر اثر معماری، تکنولوژی است. «معماری در گذشته و حال از دو گونه تکنولوژی بهره‌جسته است، تکنولوژی سنتی و تکنولوژی مدرن، تکنولوژی‌های

با توجه به شرایط فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، قرار گرفته است. اما عقب ماندگی های بسیار علمی، اقتصادی و تکنولوژیکی و ... ایران را به کشوری واردکننده علوم و تکنولوژی جدید از غرب تبدیل نموده است. همجواری فرهنگ و معماری ایرانی با تکنولوژی مدرن آن هم به صورت ابتدایی و ناقص، ناهنجاری هایی را در عرصه معماری و فرهنگ سبب گردیده است. علیرغم آن، با توجه به نیازهای امروزی جامعه ایرانی که باید با استفاده از تکنولوژی نوین و پیچیده ای مرتفع گردد بایستی به بستر فکری و فلسفی تکنولوژی مدرن و همچنین تأثیراتی که در فضای معماری به وجود می آورد توجه نمود. برای طراحی و احداث هر اثر معماری بهره گیری از تکنولوژی اجتناب ناپذیر است. بنابر تصور متعارف، تکنولوژی تنها ابزارهای دست ساخت بشر می باشد و پیشرفت و توسعه آن، ما را به سوی آرمانشهر هدایت می کند اما ظاهراً سر از ویرانشهر در آورده ایم.

حضور تکنولوژی در عرصه های مختلف از شکل گیری تفکر اولیه، فرآیند تکامل تفکر، فرآیند طراحی و ساخت تا بهره برداری از اثر به اشکال مختلفی می باشد و با این حضور تأثیرات مختلفی را بر معماری می گذارد. امروزه نگاه به تکنولوژی در معماری ایران تنها از زاویه کمی و فیزیکی است و معمولاً از ابعاد غیرفیزیکی آن غفلت می گردد. تکنولوژی را برخی، ابزار صرف پنداشته که خنثی و بی اثر می باشد و تأثیری را از جانب آن بر آثار و محیط پیرامونی آن متصور می باشند. این در حالی است که از طرفی تفکر تکنولوژیکی انسان معاصر که برآمده از تغییرات صورت گرفته در عرصه های نظری و عملی بعد از انقلاب صنعتی می باشد تمام حوزه های زندگی انسان معاصر را تحت تأثیر خود قرار داده و دگرگون ساخته است و از طرف دیگر همانگونه که در روانشناسی محیطی به اثبات رسیده است، کلیه عناصر محیطی و

سنتی به ندرت تدوین شده اند ولی تکنولوژی های مدرن همیشه مدون بوده اند. روش ها در تکنولوژی های سنتی می توانند تشریح شوند، اما فرموله نیستند به مانند اصولی که برای نیازهای متعدد و بسیاری به کار گرفته می شدند. اما تئوری های اساسی تکنولوژی های مدرن وابسته به نیازهایشان هستند.» (Porter 1986)

در نگاه اول، تکنولوژی ابزارها و ماشین آلات به نظر می آید ولی با تعمق در متون علمی و فلسفی پیرامون تکنولوژی مشخص می گردد که تکنولوژی دامنه وسیع تری را در بر می گیرد، از جمله شیوه تفکر و نگرش به موضوع، فرآیند و شیوه و روش انجام امری و نتیجه و اثر نهایی می باشد که در معماری، تفکر و مبانی نظری، شیوه و فرآیند طراحی و ساخت، مصالح، ابزارها و ماشین آلات و سرانجام اثر نهایی را در بر می گیرد. لذا هم شامل عناصر مادی می گردد و هم فعالیت های انسانی را در بر می گیرد، مجموعه این دو سبب ایجاد و احداث آثار معماری می گردند. همانگونه که در علوم رفتاری و روانشناسی به اثبات رسیده است، محیط و عناصر و اجزای آن بر رفتارها، کنش ها و واکنش های آدمی تأثیر گذارده و بخشی از هویت آدمی را شکل می دهند، لذا تکنولوژی و عناصر آن نیز به عنوان عناصری محیطی بر آدمی تأثیر گذاشته و بر شکل گیری هویت او تأثیر می گذارند. تکنولوژی در معماری بومی، در سیری تدریجی و تداومی همراه با معماری، فرهنگ و شرایط اجتماعی و اقتصادی رشد نموده و به صورتی ذوب شده در معماری به کار گرفته می شد و عملاً تفکیکی میان معماری و تکنولوژی نمی توان در آن متصور بود.

اما بعد از انقلاب صنعتی در غرب و پیشرفت سریع علوم و تکنولوژی و سازگاری جامعه غربی و تکنولوژی مدرن و به تبع آن هماهنگی معماری با تکنولوژی و فرهنگ حاکم بر غرب، معماری غرب در شرایط مناسبی

پیرامونی روی انسان تأثیر می‌گذارند لذا حضور تفکر، فرآیند و آثار تکنولوژیکی در محیط نیز بی تأثیر بر انسان نمی‌باشد.

معماری که آمده از تفکرات، آرمان‌ها و نیازهای انسان می‌باشد در صورت تغییر در بینش، ارزش و نیازهای انسان دگرگون می‌گردد که این دگرگونی را در طول حیات آدمی بسیار می‌توان دید. اما آیا این دگرگونی‌ها همواره تکاملی و مثبت بوده است؟ بالاخص اگر مبانی فکری و نظری متضاد با مبانی معماری موجود در آن به‌کار گرفته شود نتیجه دگرگونی‌ها چه خواهد بود؟ آیا تکنولوژی مدرن در مقایسه با تکنولوژی بومی دارای چنین موقعیتی است؟ آیا این دو تکنولوژی برمبانی متفاوتی استوار بوده و ارزش‌های مختلفی را با خود منتقل می‌نمایند؟ با توجه به نقش بسیار مهم تکنولوژی در معماری، آیا نوع و چگونگی به‌کارگیری آن بر محتوا و هویت آثار معماری تأثیر می‌گذارد؟ آیا ارزش‌های معماری تحت تأثیر تکنولوژی بوده و نوع و چگونگی به‌کارگیری تکنولوژی بر آن‌ها تأثیر می‌گذارند؟

تکنولوژی مدرن در عرصه‌های مختلف معماری معاصر ایران، از تفکر گرفته تا فرآیند طراحی و ساخت و در نهایت در اثر نهایی حضور جدی دارد و آثار خود را در فضاها و اشکال معماری معاصر نمایان ساخته، اما از تأثیرات آن غفلت شده و بدان به مثابه ابزاری خنثی و بی اثر نگریده شده و این درحالی است که اثر تفکر تکنولوژی مدرن حتی بر شیوه آموزش معماری نیز آشکار است.

جایگاه تکنولوژی بومی در آموزش معماری

هدف این بخش دستیابی به شناختی است نسبت به رشته معماری و تعریف رشته معماری بر اساس سرفصل و ارائه تمامی تعریف‌ها به استناد سرفصل دوره‌های مختلف آموزش معماری است.

تعریف رشته معماری بر اساس سرفصل

در سرفصل وزارت آموزش و فرهنگ عالی، معماری اینگونه تعریف شده است: «معماری، نوعی عمل خلاق است که مقصود آن شکل دادن به فضای زیست انسان در تمامیتش می‌باشد و گستره آن از جوابگویی به نیازهای انسانی در پیوند با محیط و طبیعت تا بیان عواطف و اعتقادات او، طیف وسیعی را در بر می‌گیرد» (شورای عالی برنامه‌ریزی، 1375، 5)؛ بنابراین معماران نیز برای گام برداشتن در راه این مقصد باید دارای توانایی‌های ویژه‌ای باشند.

«این رشته سعی دارد به تربیت افرادی بپردازد که بر این طیف عمل خلاقانه تسلط یافته و توان انتظام بخشی به فضای زیست انسانی را داشته باشند تا بدین ترتیب ابعاد کمی و شرایط کیفی زیست و رشد در جامعه فراهم گردد» (همان). با تغییر مقطع رشته معماری از کارشناسی ارشد به کارشناسی، این هدف در قالب تربیت افرادی با کارایی‌های عمومی حرفه‌ای عنوان شده است (شورای عالی برنامه‌ریزی، 1377، ب).

در نتیجه هدف این رشته را تربیت افرادی که بر این طیف عمل خلاقانه تسلط یافته و توان انتظام بخشی به فضای زیست انسانی را داشته باشند عنوان می‌کند. در این بیانیه تأکید سرفصل، بر رشد تعالی و تجلی ابعاد خداگونه انسان و کرامت و ارزش والایی که برای انسان قایل است و انعکاس این ارزشها در معماری زیستگاه انسانی است و از اهداف آن سوق دادن آموزش به طرف جوابگویی هرچه بیشتر به نیازهای واقعی و مصالح جامعه و آشنایی دانشجویان با فرهنگ خودی و صحیح معماری و توجه به جایگاه این حرفه در میان اقشار مردم و سلامت بخشیدن به سلاقی آنان می‌باشد.

یکی دیگر از موارد مهمی که در سرفصل پیرامون معماری عنوان می‌گردد این است که: «اثر معماری

باید به این دانش‌ها و حوزه‌های علمی تسلط داشته باشد، سرفصل جهت نیل به این امر یک حداقل را ارائه داده است که این حداقل شامل 4 دسته می‌باشد: 1) دروس معماری⁸ 2) دروس فنی ساختمان 3) دروس مرتبط با بخش شهرسازی 4) دروس تاریخ معماری.

با توجه به عنوان تکنولوژی و صنعت بومی این نکته حائز اهمیت است که نیاز به پرداختن بر بخش دروس فنی می‌باشد؛ ولی می‌توان این را بیان نمود که باید توجه داشت، تکنولوژی به مثابه یک عامل درونی در معماری فراتر از ابعاد فنی، نقش بسیار مهم و بنیادی در شکل‌گیری و توسعه‌ی معماری ایفا می‌کند، در نتیجه به غیر از دروس فنی باید به بررسی آموزش آن در بخش‌های دیگر هم پرداخته شود. در نتیجه این بخش، سعی دارد با نظری اجمالی به مفهوم و ماهیت صنعت بومی و فنون و تکنیک‌های آن و با توجه به مؤلفه‌های آن (انسان، طبیعت، ابزار و فرآورده‌ها) و رابطه آن‌ها با یکدیگر جایگاه صنعت بومی در سرفصل دروس را برای حصول به یک ادراک جامع نسبت به آن مورد بررسی قرار دهد.

در نتیجه با توجه به مطالعه سرفصل و موضوع مورد بحث «جایگاه فنون و صنعت بومی در آموزش معماری» می‌توان دروس سرفصل را به سه بخش تقسیم نمود:

دروس فنی

با رجوع به جداول مربوط به دروس اصلی و دروس تخصصی دوره کارشناسی مهندسی معماری (شورای عالی برنامه‌ریزی (الف) 12 و 13:1377)، مشخص می‌شود که تعدادی از دروس به‌طور کامل و مستقیماً به جنبه‌های مادی و فنی تکنولوژی و جزئیات ساخت و ساز معطوفند ولی کمتر به ماهیت بومی پرداخته شده است. این درس‌ها شامل نقشه‌برداری، تنظیم شرایط محیطی،

همواره در پیوند با محیط مطرح است و بدون ارتباط با محیط و بافت اطرافش شکل نمی‌گیرد و تعریف نمی‌شود» (همان). «مفهوم "معماری" عمیق‌تر از "ساختن" به تنهایی و ابعادش وسیع‌تر از به‌وجود آوردن کالبد یک ساختمان می‌باشد و مفاهیمی مانند زنده سازی و احیاء و تداوم و حیات و آبادانی را در خود نهفته دارد یا به عبارت دیگر معماری همواره به معنای ایجاد فضایی با روح و حیات تصور می‌گردد. در رجوع به آثار و مصادیق معماری در زمان‌ها و مکان‌ها و فرهنگ‌های گوناگون نیز همین روح و جان فضا است که معماری را - به درستی - به‌عنوان یک پدیده فرهنگی پر ارزش و پر معنا جلوه‌گر می‌سازد. معماری همواره نه تنها سرپناهی برای انسان به‌وجود آورده است؛ که اولین وظیفه آن است، بلکه جایگاه بروز تمامی ارزش‌ها، اعتقادات، روحیات و عواطف او با تمامی پیچیدگی‌هایش بوده و انسان همیشه در فضایی مطابق با سلايق، باورها و عقایدش زیسته است» (همان).

در تعریف، معماری به‌عنوان فن سازماندهی فضا است و به‌عبارت دیگر، موضوع اصلی معماری این است که: چگونه فضا را با استفاده از انواع مصالح و روش‌های مختلف ساخت، به نحوی خلاق سازماندهی کنیم. در نتیجه با توجه به این تعاریف و اهداف می‌توان اینگونه برداشت کرد که توجه به معماری بومی و هماهنگ با فرهنگ خودی و رشد و توسعه آن از اهمیت خاصی برخوردار است و شاید بتوان آن را به‌عنوان دغدغه اصلی سرفصل شناخت. ولی با مطالعه سرفصل دروس مصوب این شورا نمی‌توان به درستی این رویکرد خاص را تشخیص داد.

جایگاه آموزش تکنولوژی بومی در سرفصل

با توجه به اینکه رشته معماری یک رشته جامع بوده و از دانش‌های مختلفی تشکیل شده است و یک معمار هم

از درس‌هایی که احتمال وجود مباحث بنیادی و ماهوی در خصوص تکنولوژی‌های بومی در آن‌ها می‌رود، مورد ملاحظه قرار گیرد.

دروس طراحی معماری

این دروس به‌عنوان جمع‌کننده دروس معماری می‌باشند که دانشجو آموخته‌های خود را در انسجام دادن به یک طرح می‌آزماید و یکی از محورهای اصلی طراحی معماری، طراحی بر اساس تکنیک‌های ساخت می‌باشد؛ زیرا شکل‌گیری فضای معماری دارای دو مرحله اصلی "طراحی" و "ساخت" است که هر دو این مراحل نیازمند آموزش هستند؛ لذا حضور مباحث تکنولوژیکی امری جدی و مهم می‌باشد. دروس مقدمات طراحی معماری 1 و 2، طرح معماری 1، 2، 3، 4، 5 و طرح نهایی و درس روستا 2، جزو این دسته قرار دارند.

ارائه راهکار

در این فصل با توجه به موضوع مورد بحث و تقسیم‌بندی دروس و با توجه به بررسی و مطالعه سرفصل دروس، بررسی‌های خود را در دو بخش عنوان می‌داریم: الف) بررسی مشکلات ب) ارائه راهکارها

دروس فنی

اولاً باید گفت تکنیک‌ها و روش‌های ساخت بومی در دانشکده‌های معماری امروز آموزش داده نمی‌شود و به جای آن به آموزش یک تکنولوژی عام و بین‌المللی پرداخته می‌شود. به‌عنوان مثال باوجود نمونه‌های زیاد پوشش‌های چوبی، سنگی، خشتی و ... حتی یک نمونه از دتایل‌های آن در مراکز آموزشی ما تعلیم داده نمی‌شود. در نتیجه این نیاز دیده می‌شود که در درس فنی به آموزش دتایل‌های بومی مناطق مختلف کشور پرداخته شود. امروزه با پراکنش دانشکده‌های معماری آموزش مسائل و نکات بومی هر منطقه به آسانی امکان پذیر

تأسیسات الکتریکی، تأسیسات مکانیکی، ایستایی، مقاومت مصالح و سازه‌های فلزی، سازه‌های بتنی، متره و برآورد، مدیریت و تشکیلات کارگاهی، مصالح ساختمانی، ساختمان 1 و 2 و طراحی فنی هستند. به این ترتیب، از 87 واحد درس شامل دروس اصلی و تخصصی، تعداد 28 واحد مستقیماً در چهارچوب مشخصه‌های مادی، فنی و ابزاری تکنولوژی قرار دارند؛ یعنی بیش از 32% از کل واحدهای درسی مذکور به این بخش اختصاص یافته است. هم‌چنین این مجموعه دروس با تعداد 13 در مقابل مجموع 29 درس مربوط به مباحث اصلی و تخصصی، نزدیک به 45% از تعداد کل این دروس را تشکیل می‌دهند. بنابراین، ملاحظه می‌شود که تعداد بسیار قابل توجهی از دروس اصلی و تخصصی رشته معماری به مباحث مادی، فنی و ابزاری تکنولوژی اختصاص دارد.

دروس وابسته

مروری مجلد بر عناوین دروس، آشکار کننده مواردی است که می‌توانند دارای ظرفیت و محمل لازم برای طرح مباحث اساسی و ماهوی تکنولوژی باشند و احتمال می‌رود در آن‌ها مسئله تکنولوژی به صورتی جامع مطرح و بحث شده باشد و در این دروس تکنیک‌های ساخت هدف نیستند ولی می‌توانند به‌طور ضمنی به دانشجو آموزش داده شوند زیرا این دروس محملی برای معماری بومی بوده، به بوم حساسند و به موضوعاتی از این قبیل مربوط می‌شوند ولی جنبه تکنولوژیکی آن‌ها کمتر دیده می‌شود. این درس‌ها عبارتند از: انسان، طبیعت و معماری، روستا 1، معماری اسلامی، مرمت، برداشت از بناهای تاریخی، مبانی نظری معماری و آشنایی با معماری معاصر. برای تحقیق در وجود یا عدم وجود رویکرد بومی به مسئله تکنولوژی در مجموعه دروس رشته معماری در مقطع کارشناسی، لازم است سرفصل هر یک

دانشکده‌ها احساس می‌شود، زیرا با وجود دروس فنی چون ایستایی، مصالح ساختمانی و ساختمان 1 و 2، کمتر به معرفی سازه‌های بومی و محلی پرداخته شده و حتی در مورد مصالح بومی هم تنها به توضیحات مختصری در مورد تعداد محدودی از مصالح بومی پرداخته و در این موارد هم از تکنیک‌های ساخت و کاربرد آن‌ها سخنی به میان نیامده است؛ در نتیجه عنوان این مطالب در کارگاه‌ها و کلاس‌های درس موجب می‌شود دانشجویان نسبت به معماری و تکنولوژی بومی حساس شده و این موضوعات را مورد توجه قرار دهند. ثانیاً شکل‌گیری حساسیت نسبت به یکنواختی، شکل‌گیری معماری بدون توجه به زمینه و حتی در تعارض و تقابل با زمینه را در بر دارد. به طوری که طراح بر آن است تا با به‌کارگیری نهایت خلاقیت خویش اثری متفاوت با آنچه دیگران طراحی نموده و ساخته‌اند، ایجاد نماید. این دیدگاه ناشی از اهمیت خاصی است که طی دوره آموزش برای خلاقیت قائل بوده و کمتر به کیفیت اثر اهمیت داده می‌شود. هرچند این امر خود جدید نبوده، از دوران رمانتیسیسم آغاز و در دوران معماری مدرن با پشتوانه نظری قوی به اوج خود رسید (بروبلین، 1980). اما بایستی توجه داشت که امروزه در اکثر دانشکده‌های معماری دنیا بر ضرورت توجه به محیط پیرامونی و زمینه تأکید بیشتری می‌شود. در اینجا نیز بر ضرورت تجدید نظر در برنامه آتلیه‌های معماری، اهمیت معرفی سایت در زمینه معماری محلی و بومی و بالاخره ضرورت ارائه طرح‌های دانشجویی در زمینه معماری محلی و نهایتاً ارزیابی طراحی دانشجویان در زمینه معماری محلی و بومی پیشنهاد می‌گردد. زیرا می‌توان معماری بومی را هموار کردن طبیعت برای پاسخگویی به نیازهای مکانی دانست که با انتخاب و استفاده از مقدرات هر سرزمین پدید آمده است.

است. می‌توان با آموزش دتایل‌ها و نکات مورد توجه معماران این چنین بناهایی دانشجویان را با این مسائل آشنا و با تعیین پروژه‌های گروهی و تحقیقی برای ایشان به ارتقای اطلاعات بومی آنان کمک کرد. به این ترتیب که هر گروه بر روی یک تکنولوژی بومی کار کرده و با ارائه در کلاس، همه دانشجویان از مزایا و معایب آن آگاه گشته و در انتها پیشنهادهای خود را برای ارتقاء و به روز کردن این تکنولوژی‌ها ارائه دهند. در این مقوله می‌توان بخش نقد تکنولوژی‌های بومی را نیز به این کلاس‌ها افزود تا با شناخت تکنولوژی‌های بومی و درک بینش و افکاری که در پس این معماری بوده، دریابند که چگونه باید با مسائل و مشکلات معماری یک فضا با توجه به محدودیت‌ها و نیازها کنار آیند، نه اینکه یک راه حل آماده را برای همه مناطق و زمینه‌ها به کار گیرند. همچنین از موارد دیگر، کاربرد نتایج این پروژه در دروس طراحی می‌باشد.

▪ دیگر آنکه شیوه‌های بومی و سنتی به‌عنوان شیوه‌های غلط و غیر استاندارد معرفی می‌شوند، زیرا هنگامی که دانشجویان با روش‌ها و تکنیک‌های ساخت بومی آشنا نمی‌شوند این روش‌ها را غلط می‌پندارند و خود موجب تخریب و از بین رفتن این شیوه‌ها می‌گردند و شاید بتوان عنوان نمود هنگامی که در آموزش معماری بر تنوع و خلاقیت تأکید زیاد می‌شود استفاده از شیوه‌های بومی، برای آنان به وجود آورنده تنوع نمی‌باشد. در صورتی که آنچه جولیو کارلو آرگان⁸ آن را «بتکار عمل» می‌نامد وجه تمایز اساسی هنر بومی به نظر می‌رسد؛ زیرا می‌کوشد آن آزادی عمل و خلاقیتی را که در سایر زمینه‌ها از دست داده است در زمینه زیبایی‌شناسی، اگر بتوان آن را چنین نامید، بار دیگر به‌دست آورد (آدریانو آلیاگونولو، ۱۹۸۴، ۳۸). با توجه به این موضوع، اولاً نیاز آموزش تکنولوژی بومی در

▪ آموزش تکنولوژی در رشته معماری بیشتر ماهیت دانشی یا نظری پیدا کرده است و کمتر به جنبه عملی آن پرداخته می‌شود. باید توجه داشت که آموزش دروس فن ساختمان در حال حاضر در دانشکده‌های معماری داخل کشور، کاملاً تئوری - ترسیمی بوده و عاری از هرگونه عمل و تجربه علمی و حرفه‌ای می‌باشد، لذا حاصل این نوع آموزش، در بهترین صورت، جز تربیت افرادی دارای قابلیت ذهنی و توان ترسیمی بالا نبوده که امکان به اجرا در آوردن و خلاقیت در آثار حرفه‌ای‌شان بسیار اندک است. با توجه به این موضوع می‌توان به جای خالی پروژه‌های عملی در دروس فنی اشاره کرد و این که بهتر است دروس فنی به صورت عملی - کارگاهی ارائه گردند تا متمر ثمر واقع شوند.

همچنین با بررسی روش آموزش سنتی و بومی به این مهم پرداخته می‌شود که شاید بتوان با تلفیق روش‌های نظری و عملی در مورد دروس، به خصوص در آموزش دروس فنی، بتوان به نتیجه مطلوب‌تری در مورد آموزش معماری بومی، به منظور آموزش تکنیک‌های طراحی بومی و تکنیک‌های ساخت بومی و در نتیجه دستیابی به معماری بومی و همساز با انسان دست یافت.

در سیستم آموزشی امروز، جای خالی استادان تجربی، که معماری سنتی ما را با گوشت و استخوانشان می‌شناختند، به شدت به چشم می‌خورد. برای رفع این کاستی، در کلاس‌های عملی و حتی تئوری کلاس‌های "ساختمان 1 و 2" و "ایستایی"، "طراحی فنی" و همچنین کلاس‌هایی که معماری ایرانی - اسلامی تدریس می‌شود مانند درس "برداشت از بناهای تاریخی" و "معماری اسلامی"، "مرمت"، پس از سپری شدن نیمه ترم و آشنایی نسبی دانشجویان با محتوای درس، یک معمار تجربی ماهر در کلاس حاضر می‌شود. ترجیح برنامه این است که این بخش از کلاس در یک کارگاه ساخت یا

مرمت بناهای سنتی و بومی برگزار شود، تا دانشجویان از نزدیک با معماری بومی و ملی خویش آشنا شوند.

▪ در درس "تنظیم شرایط محیطی" آنچه که پس از موضوعات مطروحه باید به آن پرداخته شود و در واقع تازه اول کار دانشجویست و از آن غفلت شده: اصول معماری و چرایی لزوم تقلیل استفاده از انرژی‌های فسیلی برای تنظیم شرایط محیطی، استفاده از انرژی‌های تجدید پذیر، راه‌های تقلیل انرژی مورد نیاز برای تنظیم شرایط محیطی، روزآمد نمودن روش‌های بومی تنظیم شرایط محیطی، مبانی فرهنگی مصرف، توجه به مبانی فنون و صناعت تنظیم شرایط محیطی در معماری بومی و تاریخی و بسیاری موضوعات از این دست می‌باشد. موضوعات مطروحه درباره این درس در مورد "تأسیسات مکانیکی" نیز صدق می‌کند.

▪ معماری ایران دارای ویژگی‌هایی است که در مقایسه با معماری کشورهای دیگر جهان از ارزشی ویژه برخوردار است. دوره معاصر ما کمتر به این ویژگیها توجه کرده و از این منابع عظیم موجود استفاده نمی‌کنیم ولی بیشتر به سمت معماری بیگانه و غربی روی آورده‌ایم. در اوایل تیر 1382 در بخشهای خبری مختلف عنوان شد که یک دانشمند ژاپنی اعلام نموده که ساختمانهای چوبی شمال ایران در برابر زلزله مقاوم هستند. این مورد مبین دو موضوع است، یکی آنکه دانشمندان خودی تا به حال در این کشف مسامحه کرده‌اند و دیگر اینکه تا دیگران نگویند این آب و خاک چه دارد، علی‌الظاهر، داشتن داشته‌ها پذیرفته نیست. این مقدمه به آن علت بود که نقص توجه به ایستایی و مختصات و همچنین راه‌های اصلاح و حذف نارسایی‌ها و ارتقای کیفیت روش‌های ساختمانی بومی در نقاط و شرایط مختلف اقلیمی و تاریخی ایران گوشزد شود و

بومی ساختار بناهای روستایی پرداخته شود، همچنین ارائه جزوهای آموزشی در این زمینه به دانشجویان (که هیچ‌گاه به آن در این مقطع پرداخته نمی‌شود) متمرکز واقع خواهد شد. همچنین در این زمینه آموزش چگونگی ارتقای سیستم‌های سازه‌ای روستایی و تقویت آن‌ها باید در برنامه آموزشی قرار گیرد. در ضمن اساتید باید یک بخش از خواسته‌های خود را از پروژه درس روستا به برداشت جزئیات بومی و سنتی روستا اختصاص دهند و از دانشجویان بخواهند تا علل استفاده روستائیان از این تکنولوژی را بیان دارند؛ همچنین ترسیم جزئیات اجرایی در مقیاس‌های بزرگ 1:10 یا 1:20 و حتی بررسی استاتیکی ساخت واحدهای مسکونی (پایداری سازه‌ای، عمر و دوام بنا) نیز خواسته شود.

■ در مورد درس انسان، طبیعت و معماری در بخشی از بیان هدف این درس آمده است: «آشنایی با اصلی‌ترین مبانی پیدایش صور موجود در محیط، اعم از صور طبیعی و ساخته دست انسان» (شورای عالی برنامه‌ریزی (الف) 25:1377). در این جا انتظار می‌رود که بحث تکنولوژی بومی به‌عنوان یکی از سیستم‌ها و مبانی پیدایش صور ساخته دست انسان مورد توجه قرار داشته باشد که با مراجعه به متن توضیحی درس مشخص می‌شود که اصولاً مقوله تکنولوژی در موضوعات هشتگانه آن قرار ندارند و حتی آن‌جا که در مقوله «طراحی معماری و عوامل انسانی» انتظار می‌رود از تکنولوژی نیز سخن به میان آمده باشد، با درج موارد «تأثیرپذیری معماری از عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نیز فطرت انسانی» این انتظار برآورده نمی‌شود.

■ با توجه به اهمیتی که برای درس مبانی نظری معماری ذکر می‌شود و نقشی که برنامه درسی برای آن به‌عنوان تبیین‌کننده روش طراحی قائل است، این درس به‌جای "مبانی نظری" به‌گونه‌ای تنها به موضوعات غیر

لزوم توجه به این موضوعات نیز یادآوری شده و در دروس ایستایی تنها به آموزش بتون و فلز بسنده نگردد.

■ نامفهوم بودن تکنولوژی و عدم تعریف سرفصل از تکنولوژی یکی دیگر از مشکلات سرفصل می‌باشد؛ زیرا سرفصل تعریف دقیق و درستی از تکنولوژی به دانشجویان و اساتید ارائه نمی‌نماید و هدف خود را از آموزش تکنولوژی مشخص نکرده است و بیشتر به آموزش دانش ساختمان می‌پردازد، نه تکنیک‌های ساخت و ساز؛ در نتیجه لزوم تعریف درست از تکنولوژی و آموزش تکنیک‌های ساخت و ساز در دروس فنی به خصوص تکنیک‌های ساخت بومی و محلی دیده می‌شود. از آنجا که رشته معماری خود فرآیندی چند رشته‌ای است زیرا از یک طرف به مبانی قوی ریاضی نیاز داشته و از طرف دیگر به مسائل علوم انسانی نگاهی ویژه دارد و از سویی به مقوله فنی و مهندسی برای تأمین فضای زیستی انسان وابسته است و از جانبی دیگر به روحیات و احساسات و هنرها، چون ادبیات و شعر، موسیقی و ... توجه می‌کند لذا بر 4 بخش فوق استوار است اما چون بیشترین دروس پس از معماری متعلق به حوزه فن ساختمان بوده و دومین حوزه و شاید مهم‌ترین حوزه دروس معماری می‌باشد، اعتقاد ما بر این است که در واقع تجلیگاه هنر معماری، فن ساختمان است.

دروس وابسته

■ یکی دیگر از دروسی که در سرفصل توجه به مسائل بومی و تکنولوژی بومی به آن پرداخته است، روستا می‌باشد ولی این درس هم بیشتر به‌صورت توریستی و جنبه دیداری با روستا رفتار می‌کند در صورتی که باید پاسخگوی جای خالی مباحث بومی و تکنولوژی‌های بومی در دروس دیگر را پر کند. بدین منظور در درس روستا 1 قبل از آنکه دانشجویان به روستاهای انتخابی خود بروند، باید چند جلسه‌ای به فناوری‌های سنتی و

علمی مربوط به معماری مثل "آینده حرفه معماری"، "روش طراحی"، "دانشهای مرتبط" و "آموزشکده‌ها و آثار معماری" متمرکز است. نگاهی به سرفصل درس از جمله پیوند معماری و فرهنگ، بحث درباره طبیعت، آثار معماری، دانستنیهای علمی و دانستنیهای هنری، برنامه‌ریزی است که اهمیت این درس را نشان می‌دهد؛ در نتیجه در این درس بایستی به بیان و تعریف معماری و ارکان آن که به گفته پورتر از چهار بخش اصلی: الف) فرم، ب) عملکرد، ج) تکنولوژی د) فرهنگ و محتوا متشکل است پرداخت و به بیان تعاریف آن‌ها، میزان اثرگذاری آن‌ها در طراحی معماری، جایگاه تکنولوژی در طراحی معماری و میزان تأثیر آن در طراحی و رابطه آن با فرهنگ و چهره معماری و نیاز توجه به تکنولوژی‌های بومی و معماری بومی را بیان دارد.

■ در مورد درس "آشنایی با معماری جهان" نکته قابل ذکر آن است که در این درس سرزمین‌ها و تمدن‌هایی چون هند، ژاپن، آفریقا، روسیه و بسیاری از تمدن‌های دیگر در فهرست گنجانیده نشده‌اند. این تمدن‌ها به علت فرهنگ اصیل و حفظ آن باید مورد توجه قرار گیرند و آنچه در اهداف، شرح یا واقعیت دروسی چون "تاریخ معماری جهان"، "آشنایی با معماری معاصر" و حتی "آشنایی با معماری اسلامی" مشهود است فقدان نظامی است که با طی مراحل آن دانشجو بتواند تشخیص دهد که چه اصل و چه سبک و چه نوع معماری با جهان‌بینی و فرهنگ ایرانی و اسلامی در تناقض و یا بالعکس با آن همراه است و اصولاً دریابد که با چه معیارها و چگونه باید آثار معماری را ارزیابی کند.

■ در مورد درس "آشنایی با معماری معاصر" می‌توان عنوان نمود که این درس کمتر به معرفی معماری‌های بومی و معماران بومی‌گرا چون: حسن فتحی، تادائو آندو،

چارلز کورا، آنا هرینگر، راج روال و از این دسته می‌پردازد و اینکه چگونه این معماران با استفاده از تکنولوژی‌های بومی پاسخگوی نیازهای معماری امروز کشورهای خود هستند و به تولید معماری هماهنگ با فرهنگ و اقلیم خود پرداخته‌اند. همچنین در این درس جای نقد "معماری معاصر ایران و علل آن" خالی است، همین‌طور جای این مورد که به گواهی محققین، وضع اسفبار کنونی معماری معاصر ایران به دلیل تقلید کورکورانه از معماری غرب و ورود تکنولوژی‌های غیر بومی به کشور است در این درس خالی است درحالی‌که در این درس به معرفی معماران و معماری‌های مغرب زمین پرداخته و به عنوان الگو معرفی می‌شوند.

درس طراحی معماری

■ با توجه به اینکه تکنولوژی یک امر واحد است، تجزیه آن به بخش‌های مختلف باعث گردیده تا مبحث تکنولوژی به صورت یکپارچه توسط دانشجو درک نگردد. همان‌طور که در مورد درس فنی نام برده شد، تقسیم مبحث تکنولوژی به "مصالح"، "ایستایی"، "تأسیسات مکانیکی و الکتریکی" و "ساختمان 1 و 2" موجب شده است که مبحث تکنولوژی که همه این مقولات را در بر می‌گیرد به خوبی درک نشود در نتیجه بهتر است این عناوین در یک درس به صورت طراحی ارائه گردد. همچنین نیاز است که درس فنی با درس طراحی ترکیب گردند یعنی یا اینکه موارد فنی که در هر ترم آموزش داده می‌شود، در درس طراحی آن ترم خواسته و به کار برده شود و طراحی‌ها از نظر فنی و هماهنگی با محل و بوم هم اصلاح گردند یا اینکه هر درس فنی که ارائه می‌گردد، نمونه عینی کاربرد آن در طراحی یک فضای کوچک مطابق با مطلب مورد نظر خواسته شود. نکته با اهمیت این است که در طرح‌های

مصالح و تکنیک‌های بومی مانند: طراحی با چوب، طراحی با سنگ و ... نام‌گذاری کرد. همچنین یکی از دروسی که به جنبه تکنولوژی توجه می‌کند طرح 4 می‌باشد که سازه و تکنولوژی در این درس موضوعیت دارد و هدف این طرح، "تلاش برای تألیف نظام عملکردی، سازه‌ای، تأسیساتی در قالب یک طرح منسجم معماری است" (شورای عالی برنامه‌ریزی، 1377 الف، 74) در نتیجه این درس یکی از طرح‌هایی است که پتانسیل آنرا دارد که مباحث تکنولوژی‌های بومی، زمینه‌های بومی و چگونگی اثرگذاری آن‌ها بر طراحی در آن مطرح شود.

■ با توجه به ماهیت تکنولوژی و رابطه تکنولوژی با سبک و سیاق معماری، دانشکده‌های معماری فقط یک نوع آموزش تکنولوژی را ارائه می‌دهند. با توجه به اینکه تکنولوژی شامل فرآیند ساخت، تفکر پیرامون نحوه ساخت، مصالح، تکنیک‌ها و سیستم‌های ساختمانی می‌باشد و همچنین یکی از اصلی‌ترین عناصر برپاکننده هر اثر معماری، تکنولوژی است ولی در آموزش معماری ما طراحی بر اساس تکنولوژی صورت نگرفته و آموزش داده نمی‌شود؛ در صورتی که هم معماری گذشته ایران با سازه‌های بومی و مصالح بوم آورد در هر اقلیم شکل گرفته و معماری هر دورانی با توجه به تکنولوژی شناخته شده در آن زمان بوده است و همچنین در دوران معاصر هم سبک‌های معماری چون: های‌تک، اکوتک و ... بر اساس تکنولوژی ساخت شکل گرفته است؛ ولی در دانشکده‌های ما طراحی بر اساس تکنولوژی آموزش داده نمی‌شود خصوصاً بر اساس تکنولوژی‌های بومی؛ پس چرا طراحی بر اساس تکنولوژی بومی، یک مکتب و کانسپت معماری نباشد که طراحی‌ها بر اساس آن شکل بگیرد؟! در نتیجه لزوم آموزش طراحی بر اساس تکنولوژی در کلاس‌های طراحی دیده می‌شود.

معماری تنها نباید طراحی‌ها از نظر شکل و فرم و روابط فضایی اصلاح شوند بلکه جنبه تکنولوژیکی و سازه‌ای هم یکی از موارد مهمی است که باید در ابتدای هر طراحی و حتی به‌عنوان یکی از موارد مهم مطالعاتی ابتدایی در طرح‌ها مورد نظر قرار گیرد. در این مورد باید استاد راهنما توجه دانشجویان را به طراحی بومی و تکنولوژی‌های بومی و محلی جلب کرده و شکل‌گیری طرح محلی و بومی و مطابق با زمینه را نیز مورد توجه قرار دهد.

■ یکی دیگر از مواردی که می‌توان در مورد دروس طراحی عنوان نمود رعایت مسائل بومی در طراحی می‌باشد.

بدین منظور می‌توان این تدابیر را اندیشید: (1) استفاده از مصادیق بومی (2) استفاده از بسترهای مناسب بومی و محلی (3) اصلاح سازه و تکنولوژی‌های انتخابی دانشجویان در طراحی و (4) استفاده از موضوعات محلی.

برای رسیدن به معماری بومی، نیاز رجوع به تکنیک‌های ساخت معماری بومی است، در نتیجه با رجوع به تکنولوژی‌های بومی می‌توان این مسئله را حل کرد. تکنیک یک دانش مهندسی است که دو بخش مبانی ساخت و مبانی طراحی را در بر دارد. در نتیجه می‌توان طرح‌های مختلفی که در هر ترم ارائه می‌گردد را به استفاده از یکی از تکنیک‌های ساخت بومی محدود کرد تا دانشجویان به آن زمینه آگاه گردند. (همانطور که در کشور سوریه دروس طراحی با عنوان‌های: طراحی با چوب، طراحی با سنگ و ... عنوان می‌شود و هر طرحی به یک تکنیک خاص ساخت اختصاص دارد تا دانشجویان علاوه بر آشنایی با تکنیک‌های ساخت آن مصالح خاص متوجه اهمیت تکنولوژی در شکل‌گیری طرح‌های معماری گردند) در نتیجه می‌توان دروس طراحی را به‌جای نام‌گذاری طرح 1، طرح 2 و ... به نام

■ در درس روستا 2 که به عنوان طراحی مسکونی در روستای مورد نظر است باید مواردی چون چاره‌اندیشی‌های بومی و تأثیر آن بر طراحی بافت و بنا برای بهره‌گیری مناسب از اقلیم و همچنین توجه به فناوری‌های بومی و سنتی روستا مد نظر قرار گرفته، همچنین به انواع مصالح مورد استفاده در قسمت‌های مختلف بنا چون پی، دیوار، سقف، در و پنجره، اندودها، عایق و ... توجه شود. همچنین نیاز است که از دانشجویان خواسته شود تا پیشنهادهای خود را به منظور ارتقای ایستایی و پایداری سازه‌های مورد استفاده ارائه دهند.

در این مورد می‌توان به پیشنهاد درسی مستقل از درس روستا هم اشاره کرد که می‌توان نام "طراحی بومی" بر آن نهاد تا دانشجویان با استفاده از نکاتی که از دروس روستا آموخته‌اند به طراحی یک فضای شهری مطابق با بوم و محل خود بپردازند، هدف این درس پیاده کردن فنون و جزئیات ناب و نحوه مواجهه روستائیان با معماری است که در دروس روستا آموخته‌اند و اینکه چگونه با شناخت ویژگی‌ها و پتانسیل‌های معماری روستایی می‌توان یک فضای با کیفیت مطلوب خلق کرد.

■ از کمبودهای آموزش معماری تأکید بیش از حد برنامه درسی بر طراحی و تاریخچه نظری ایده‌های طراحی است، درحالی که معلوماتی که در مورد تکنولوژی ساختمان و اجرا داده می‌شود، بسیار کم است و دست‌اندرکاران صنعت ساختمان اغلب از کمبود اطلاعات فنی معماری شکایت می‌کنند، بنابراین، معمار باید از دانش سازه‌ای کافی برخوردار باشد.

■ در حال حاضر، شیوه ساختمان سازی مردمی در برنامه دانشکده‌های معماری گنجانده نشده است؛ دوران‌های معماری طبق تغییرات سبکی و ویژگیهای آشکار بناها بررسی می‌شود. یک معماری جامع و صحیح

تنها در یک سنت زنده جان می‌گیرد و سنت معماری در ایران امروز در شرف نابودی است.

نتیجه

اگر وضع کنونی معماری معاصر ایران دارای مطلوبیت مقبول نیست، بخش قابل توجهی از آن به آموزش معماری، تربیت معماران و متخصصان این رشته مربوط است. بی تردید قسمتی از این آموزش و تربیت به بخش آموزش تکنولوژی مربوط است زیرا سیستم تکنولوژی طوری تعریف و تنظیم شده است که در برابر خصیصه‌های فرهنگی و محلی، حساسیت چندانی نداشته باشد. در صورتی که معماری عمیقاً به فرهنگ و تفاوت‌هایی که آن را از سایر معماری‌ها جدا می‌کند، مرتبط است. اهمیت این امر ما را به سمت جست‌وجوی راه‌های اختصاصی برای آموزش معماری در کشور هدایت می‌کند. در این زمینه به بررسی موضوع تکنولوژی در سرفصل پرداخته شد که چون تکنولوژی به مثابه یک عامل درونی در معماری فراتر از ابعاد فنی، نقش بسیار مهم و بنیادی در شکل‌گیری و توسعه معماری ایفا می‌کند و لازم است به غیر از دروس فنی به این موضوع در دروس دیگر نیز پرداخته شود در نتیجه با تقسیم سرفصل به سه دسته: دروس فنی، دروس وابسته و دروس طراحی معماری، به بررسی موضوع تکنولوژی در این سه حیطه پرداخته شد. با توجه به بررسی این سه حوزه نیاز به اصلاح سرفصل آموزشی با دو روش شد: یکی اصلاح سرفصل درس مورد نظر و جهت دار کردن آن به سمت رویکرد بومی و روش دوم اتخاذ و تعیین دروس جدید در سرفصل، از جمله:

دروس فنی: در این حیطه نیاز به اتخاذ رویکرد بومی در تدریس جزئیات و تکنیک‌ها می‌باشد زیرا این دسته به تکنولوژی مربوط هستند ولی رویکرد بومی در آنها

طراحی بومی و همساز با انسان و سرزمین آن، کمک کرده و کیفیت بناها را به آنها بازگرداند و از این طریق در ارتقای کیفیت معماری امروز ایران مؤثر واقع شود.

پی نوشت

1. چنین مفهومی از واژه‌های هنر، صنعت و فن در زبان فارسی نیز استنباط می‌شده است. در واقع آن گونه که امروزه تصور می‌شود، این سه مفاهیم مجزایی نبودند و همگی بر یک معنا دلالت داشته‌اند. برای مطالعه بیشتر در این خصوص مراجعه شود به (دهخدا، ع. 1343:318) و (معین، م. 2575:1371)

2. Instinctive ability
3. Chance
4. Vernacular
5. Vernaculus
6. Verna
7. Etruscan

8. بر اساس تعریف سرفصل، دروس طراحی معماری به غیر از طرح معماری 5 (که در دسته دروس مرتبط با بخش شهرسازی جا می‌گیرد) در دسته اول که همان دروس معماری می‌باشد قرار دارند.

9. Giulio Carlo Argan

منابع

- الپاگونولولو، آدریانو و دیگران. (1384). معماری بومی، ترجمه علی محمد سادات افسری، نشر فضا، تهران، انجمن فرهنگی ایتالیا.
- احمدی، بابک. (1374). حقیقت و زیبایی، درس‌های فلسفه هنر، نشر مرکز، تهران، چاپ اول.
- حجت، عیسی. (1387). "وجه پنهان آموزش معماری"، مجموعه مقالات سومین همایش آموزش معماری، دانشگاه تهران، 109-129.
- حسینی، بهشید. (1387). "آموزش معماری روستایی در دانشکده‌های معماری"، مجموعه مقالات سومین همایش آموزش معماری، دانشگاه تهران، 131-141.
- رضازاده، راضیه. (1382). "رویکرد آموزش معماری ایران به زمینه اثر معماری"، مجموعه مقالات دومین همایش آموزش معماری، دانشگاه تهران، 111-118.

دیده نمی‌شود و تنها یک سری فنون و تکنیک‌های عام و بین‌المللی آموزش داده می‌شود. در نتیجه نیاز به آموزش تکنیک‌ها و جزئیات بومی در آنها می‌باشد. همچنین یکی دیگر از مشکلات این حوزه آموزش تئوری آن است که نتیجه مطلوبی ندارد، در نتیجه نیاز است که این دروس به شیوه عملی - کارگاهی تدریس شوند و به منظور اتخاذ رویکرد بومی، استفاده از معماران سنتی و بومی در این کارگاه‌ها مثمر ثمر خواهد بود.

دروس وابسته: این دروس که جنبه بومی در آنها به چشم می‌خورد یا اینکه می‌توان این جنبه را در آنها تقویت کرد می‌توان با اتخاذ رویکرد بومی نسبت به این دروس و توجه به جنبه تکنولوژیکی در برخی از آنها به نتیجه مطلوب دست یافت.

دروس طراحی: که از اصلی‌ترین دروس رشته معماری است و نیاز است که این دروس به صورت تلفیقی با دروس فنی به کار گرفته شوند تا نتیجه آموخته‌ها در دروس فنی در طراحی‌ها عیان شود همچنین افزودن دروسی چون "طراحی بومی" یا طراحی با کانسپت قرار دادن تکنولوژی‌های بومی می‌تواند به این مقوله کمک کند و همچنین به منظور ارتقای توجه به شکل‌گیری طرح بر مبنای تکنولوژی‌های ساخت می‌توان نام دروس طراحی را از طراحی 1 و 2 و ... به طراحی با چوب، طراحی با سنگ و ... تغییر داد تا تعریف طرح‌ها بر مبنای تکنیک‌های ساخت و ساز تغییر کرده و اهمیت و چگونگی شکل‌گیری طرح معماری بر اساس تکنولوژی عیان گردد.

با توجه به این مقاله لزوم بازاندیشی نقادانه در آموزش طراحی معماری، به منظور دستیابی به یک رویکرد مناسب احساس می‌شود. اتخاذ رویکرد بومی نسبت به تکنولوژی می‌تواند گونه‌ای از تحول نظری و عملی را در آموزش طراحی معماری ایجاد کند که قادر باشد به پیشبرد

- ریترز، جورج. (1374)، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، علمی، تهران، چاپ دوم.
- شاهرودی، عباسعلی و محمود گلابچی. (1386)، "تکنولوژی معماری مقایسه تطبیقی تأثیرات تکنولوژی سنتی و مدرن بر انسان و معماری"، اولین کنفرانس سازه و معماری.
- شایانفر، شیوا. (1387)، "ماهیت تکنولوژی و نقش آن در آموزش معماری"، مجموعه مقالات سومین همایش آموزش معماری، دانشگاه تهران، 233-251.
- شورای عالی برنامه‌ریزی، وزارت فرهنگ و آموزش عالی (1377الف)، مشخصات کلی، برنامه و سرفصل دروس دوره کارشناسی مهندسی معماری، مصوب 1377/8/24.
- شورای عالی برنامه‌ریزی، وزارت فرهنگ و آموزش عالی (1375)، مشخصات کلی، برنامه و سرفصل دروس دوره کارشناسی ارشد مهندسی معماری، مصوب 1375/10/9.
- شورای عالی برنامه‌ریزی، وزارت فرهنگ و آموزش عالی (1377ب)، مشخصات کلی، برنامه و سرفصل دروس دوره کارشناسی ارشد مهندسی معماری، مصوب 1377/8/24.
- عرفانی‌زاده، زهرا. (1389)، طراحی نمایشگاه فرآورده‌های نخل (استفاده از تکنولوژی و مصالح بومی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر اصفهان.
- علی‌الحسابی، مهران. (1382)، "جایگاه روستا در آموزش معماری (آموزش روستا، نگرش عدالت طلبانه یا از سر نیاز)"، مجموعه مقالات دومین همایش آموزش معماری، دانشگاه تهران، 153-164.
- فتحی، حسن. (1382)، ساختمان‌سازی با مردم، ترجمه دکتر علی اشرفی، دانشگاه هنر، معاونت پژوهشی، تهران.
- گلابچی، محمود. (1382)، "از آموزش سازه در رشته معماری چه انتظاری داریم؟"، مجموعه مقالات دومین همایش آموزش معماری، دانشگاه تهران، 187-192.
- گلابچی، محمود. (1382)، "بررسی و ارزیابی آموزش دروس فن ساختمان در رشته معماری"، مجموعه مقالات دومین همایش آموزش معماری، دانشگاه تهران، 193-218.
- مارکوزه، هربرت. (1379)، بعد زیباشناختی، تألیف و ترجمه داریوش مهرجویی، هرمس، تهران، چاپ سوم.
- مددپور، محمد. (1384)، آشنایی با آرای متفکران درباره هنر، انتشارات سوره، تهران، چاپ اول.
- مهدوی پور، حسین. (1387)، "ارزیابی نقش درس طرح معماری 4 در توان حرفه‌ای دانش‌آموختگان معماری دانشگاه یزد"، نشریه هنرهای زیبا، شماره 36، 49-57.
- نقی‌زاده، محمد. (1382)، "رابطه فضای فکری و آموزش معماری"، مجموعه مقالات دومین همایش آموزش معماری، دانشگاه تهران، 265-281.
- وفامهر، محسن. (1387)، "بررسی آموزش مدارس معماری و تکنیکی در ایران و جهان"، مجموعه مقالات سومین همایش آموزش معماری، دانشگاه تهران، 557-576.

http://www.en.wikipedia.org/wiki/Vernacular_architecture.

- Desai,R(1997), "Housing Technology & Its Impact: Latur Earthquake Rehabilitation Maharashtra State, India", *Workshop on Low Cost Housing and Community Participation in Construction*.